

عنوان مقاله

توسعه سیاسی و تاثیر آن بر محیط کسب و کار

چکیده:

از جمله عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی میتوان به توسعه سیاسی و آزادی اقتصادی اشاره کرد. محیط کسب و کاری از جمله شاخصهای تعیین کننده وضعیت اقتصادی کشورها است که سازمان های جهانی، سرمایه گذاران و تولیدکنندگان بر اساس آن به تجزیه و تحلیل موقعیت اقتصادی کشورها میپردازند. بهبود محیط کسب و کار در کشورها منجر به بهبود شرایط برای فعالیت مؤثر و مفید تمام فعالان اقتصادی گردیده تا تمامی بخشها بتوانند از موقعیت بالقوه خود استفاده کنند. این امر باعث افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی، فرصتهای شغلی و بهره وری عوامل تولید و بهبود بسیاری دیگر از مؤلفه های اقتصادی و اجتماعی خواهد شد. محیط کسب و کار، از عوامل مهمی تأثیر میپذیرد که بی تردید یکی از مهمترین آنها، اقتصاد سیاسی میباشد. از این رو، مطالعه حاضر به بررسی تطبیقی تاثیر توسعه سیاسی بر محیط کسب و کار می پردازد. همچنین در یک برهه تاریخی مدارک نشان میدهند که دولت ها فعالیت نامتعارفی مانند سرکوب معترضان و عدم وجود آزادی عمل در انتخابات و عدالت در سیستم های سیاسی وجود داشته است. با گذشت زمان روند سیاسی در کشوری مانند آمریکا رو به تحول رفت و روندی به سوی سازمانی شدن در پیش گرفت که باعث ایجاد کنسرسیوم های سیاسی شد. بر اساس نتایج مطالعه میتوان بیان داشت، کشورهایی که در بهبود شاخصهای اقتصاد سیاسی موفقتر عمل کردهاند دارای محیط کسب و کار بهتری هستند.

1. مقدمه

یکی از عوامل تأثیرگذار بر فعالیتهای اقتصادی هزینه انجام این فعالیتهای یا کسبوکارها است. هزینه های بالای کسب و کار موجب بالا رفتن بهای تمام شده محصولات و در نتیجه کاهش رقابت پذیری آنها به ویژه در مقایسه با کالاهای مشابه خارجی میگردد. در بعد بین المللی، کالاهای صادراتی تنها در صورت پایین بودن هزینه های تولید می توانند با جایگزین های خارجی خود رقابت نمایند. بخشی از هزینه های کسب و کار مربوط به مراحل انجام خود کسب و کار یا عوامل خرد و بخشی دیگر مربوط به حوزه خارج از کنترل صاحبان کسب و کار یا عوامل کلان میباشد که بهطور عمده تحت تأثیر فعالیت و دخالت دولت هاست.

دولت از جهات، ابعاد و مسیرهای مختلف بر فعالیت های اقتصادی به ویژه فضای کسب و کار اثرگذار است. سرمایه گذاری دولتی شامل ایجاد و بهبود زیرساخت ها است که خود این کار موجب تقویت سرمایه گذاری بخش خصوصی می گردد. زیرساخت ها عناصر اساسی و حیاتی فضای سرمایه گذاری محسوب میگردند و به دو گروه زیرساختهای سخت مانند کیفیت جاده ها، آبرسانی، بنادر و فرودگاهها و زیرساختهای نرم مانند کیفیت تامین آب، برق و تلفن تقسیم بندی می شوند. هر دوی این گروه ها برای تولید و تجارت چه در داخل و چه در خارج از مرزها مهم و حیاتی به شمار می آیند. زیرساخت ها اغلب به عنوان یک مانع برای سرمایه گذاری به شمار میروند.

در تحقیق صورت گرفته توسط لاروسی (2009) که به بررسی فضای سرمایه گذاری در 16 ایالت از کشور هندوستان پرداخته، اشاره شده با توجه به گزارش کمیته مالی که توسط دولت هندوستان در سال 2000 تنظیم شده است، مشخص گردیده ایالت هایی

که از زیرساخت های با کیفیتهای بالا در زمینه های اجتماعی و اقتصادی برخوردارند نسبت به سایر ایالت ها فضای مناسب تری برای سرمایه گذاری به شمار می آیند. میتوان چنین برداشت نمود که دولت می تواند نقشی بسیار مهم در اصلاح و بهبود کیفیت زیرساخت ها ایفا نماید به نحوی که سیاست های کلان اقتصادی و سیاسی دولت به شکل گیری یک نظام اقتصادی سالم، شکوفا، شفاف و توانمند منجر شود و یا به گسترش اقتصاد زیرزمینی و فساد و در نتیجه یک اقتصاد ضعیف و ناکارآمد بینجامد (هلاینر، 1985). بنابراین می توان پرسید که ثبات سیاسی در بهبود فضای کسب و کار چه تاثیری دارد؟ علاوه بر این عوامل متعددی بر فضای کسب و کار تاثیر گذارند که از میان آنها می توان بر تورم، بازبودن اقتصاد، نرخ ارز رسمی و سهم درآمدهای مالیاتی از محل تولید ناخالص داخلی اشاره نمود؛ در این مقاله به بررسی تأثیر هر یک از این عوامل بر فضای کسب و کار پرداخته میشود.

2. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

1.2. مبانی نظری

آثار و پیامدهای فعالیت دولت در سطوح خرد و کلان، از مهمترین مباحثی میباشد که در علم اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است. این توجه هر دو حوزه علم اقتصاد اثباتی و دستوری را شامل میشود.

گروهی از اقتصاددانان معتقد به حداقل دخالت دولت در اقتصاد بوده و گروهی دیگر دخالت های حداکثر دولت را در اقتصاد ضروری میدانند. در هر دو نگرش سهم و نحوه حضور و دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی نقش اجتناب ناپذیری خواهد داشت. از سوی دیگر در حوزه اثباتی نیز مطالعات فراوانی در مورد تجزیه و تحلیل آثار و پیامدهای دخالت دولت در اقتصاد به دلیل مؤثر بودن جایگاه و سهم دولت در فعالیتهای اقتصادی جامعه، صورت گرفته است. از (1930_1980) دولت عامل توسعه و فراهم کننده زمینه های لازم برای فعالیت های بهینه اقتصادی به شمار میرفت.

مکتب سنتی آلمان - اتریش (1933_1955) با تلاش های دو اقتصاد دان بنام تانن و شومپتر برجسته شد و شکل گرفت. شومپتر در خصوص وجود بازارهای کامل با نئوکلاسیک ها اختلاف نظر داشت و با تأکید بر عدم وجود چنین بازارهایی تلویحاً وارد موانع محیطی بنگاه ها شد. وی نقش کارآفرینان را در شکستن وضعیت های انحصاری برجسته و بر اهمیت نوآوری ها در توسعه اقتصادی تأکید نمود. شومپتر نقش اساسی پول در موقعیت های تعادل عمومی یا رشد متوازن را رد کرد و نگرش او به پول فقط به منزله واسطه مبادله ای بود. در چنین شرایطی کارآفرینان به دلیل نیازشان به اعتبار برای تأمین بودجه فعالیته ا و توسعه اقدامات تجاریشان به سیستم بانکی نیاز دارند. وی با کاهش توجه به پس اندازها و توجه به اعتبارات و تأمین مالی نمودهای حساس فرایند توسعه در توضیح سود، پول، اعتبار و نرخ بهره و چرخه بازرگانی را مدنظر قرار داد. تأملی در آرا و اندیشه های صاحب نظران اقتصادی به ویژه نظرات مطرح شده در دهه های میانی قرن بیستم بیانگر آن است که مفاهیم و تأملات مربوط به فضای کسبوکار در هر دو نگرش مشهود میباشد (اتاق تعاون و بازرگانی، 1389). نکته بسیار مهم آن است که شاید بتوان گفت نهادیون از (1937_1975) نخستین مکتبی هستند که به مسائل یک بنگاه در کسبوکار خود توجه نمودند و از دیدگاه سازمانی و نهادی به بررسی محیط های فعالیت اقتصادی پرداختند.

عوامل بسیاری در تحولاتی که در دهه 1970 در اقتصاد بین الملل صورت گرفته است، دخیل بوده اند که مهمترین آنها تحول عمیق در دیدگاه مربوط به نقش نسبی دولت و قوای بازار در فرایند اقتصادی می باشد. به طور کلی، در زمان برگزاری کنفرانس برتنوودز و ربع قرن پس از آن این نظریه پذیرفته شده بود که دولت ها و سیاستهایی که اتخاذ میگردد قوای محرکه اقتصاد هستند. بنابراین، از دولت ها انتظار میرفت که در جهت اهداف اساسی و عملکرد قوی و سالم اقتصاد قبول مسئولیت کنند. امروزه دیدگاه صاحب نظران پیرامون نقش اقتصادی دولت، آنچه در بالا توصیف شد، به شدت در تعارض است؛ زیرا نخست، همه متفق القول هستند که نقش دولت حمایت کردن است و نه محدود ساختن ابتکار توسط بخش خصوصی یا رقابت با آن. مسئولیت دولت در عملکرد اقتصاد

و کمک به آن شامل اداره مستقیم اقتصاد نیست بلکه، به جای آن، متضمن حفظ ثبات در چارچوب های قانونی، انتظامی و اجتماعی، انگیزه های اقتصادی و اقتصاد آزاد و عاری از محدودیت و مقرون به رقابت میباشد؛ دوم، اتفاق نظری در مورد حدود سیاست کلان اقتصاد پدیدار شده است که مبتنی بر تحلیل منطقی و شواهد تجربی عملکرد هر دولت می باشد؛ مبانی منطقی این اتفاق نظر عبارتند از:

1. نظریه انتخاب عمومی بر پایه ابزارهای تحلیل اقتصادی بازار، مبین آن است که مأموران دولت به جای حداکثر ساختن مطلوبیت مردم به حداکثرسازی مطلوبیت خود گرایش دارند.

2. فرضیه انتظارات عقلایی که ضرورت ثبات در سیاست دولت را مسلم ساخت.
3. موضوع اعتماد مردم به دولت که اهمیت قابل پیشبینی بودن مسیر سیاستهای دولت و تداوم آنها را به دلیل جلوگیری از اختلال در اقتصاد کشور، مورد تأکید قرار میدهد (ارشدی، 1385).

از (1980_1990) تأکید بر خصوصی سازی و ترویج سرمایه گذاری خارجی وجود داشت. از اواخر دهه 1990 بهبود محیط کسب و کار موضوع کانونی محافل نظریه پردازی و سیاست گذاری اقتصاد بوده است. این تغییر در پارادایم سیاست گذاری، محصول تحولات اقتصادی از یکسو و طرح نظریات جدید اقتصادی از سوی دیگر است (میدری و قودجانی، 1387).

دسوتو (2005) در تلاش برای یافتن راهکار توسعه اقتصادی و مبارزه با فقر بر دلایل ناتوانی کشورهای فقیر در کسب و تولید سرمایه تمرکز میکند و در این کنکاش تحقیقات فراوانی را در انواع کشورها انجام میدهد و در نهایت موضوع مالکیت و قوانین محیطی را مانعی اصلی و مهم در تولید و انباشت سرمایه تشخیص میدهد. پس به نظر میرسد که در یافتن تاریخچه و ریشه شکل گیری مفهوم

محیط کسبوکار و طرح راهکار بهبود کسبوکار دو روند میبایست مورد بررسی قرار گیرد:
1. نظریات و مکاتبی که نحوه رشد تولید و افزایش سرمایه را بررسی کردند و به عوامل محیطی بنگاهها نزدیک گردیدند.

2. نظریات و مکاتبی که به ساماندهی موانع محیطی رونق فعالیت‌های اقتصادی بنگاهها

پرداختند و راهکار بهبود محیط کسبوکار را سامان دادند.

علاوه بر این، از نظر تاریخی دهه نخست قرن 21 مطابق است با بهبود فضای کسب و کار که فراهم کننده زمینه های لازم برای فعالیت بهینه اقتصادی با بهره گیری از تجربیات قبلی انجام گرفته است. دیدگاه های فوق تا حدودی بیان میدارد که مباحث و شاخص هایی که امروزه برای بخش فضای کسب و کار در ادبیات اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است در گذشته نیز تحت عناوین دیگری مورد توجه و تجزیه و تحلیل بوده اند. با بررسی تجارب کشورهای مختلف دنیا مشخص میگردد برخی کشورها با بهره گیری از رویکرد خصوصی سازی و البته با فراهم آوردن سازوکارهای مورد نیاز برای ایجاد و گسترش آن توانسته اند زمینه ساز اتفاقات مثبت در اقتصاد کشورهای خود شوند. از سوی دیگر کشورهایی مانند چین، ویتنام، مجارستان و لهستان کوشیدند با رفع موانع توسعه بخش خصوصی (بهبود محیط کسبوکار) و نه خصوصیسازی، سهم بخش خصوصی را به طور قابل توجه در کلان اقتصاد ارتقا داده و معجزه بزرگ اقتصادی را در دنیا رقم بزنند (اتاق تعاون و بازرگانی، 1389).

2.2. پیشینه پژوهش

1.2.2. مطالعات خارجی

وستمن الف و همکاران (2020) به بررسی مشارکت سیاسی کسب و کارها: چارچوبی برای درک نقش SME ها در سیاست های پایداری شهری پرداختند. بازیگران بخش خصوصی هم سیاست های پایداری محور را در مقیاس های مختلف فعال و هم مهار می کنند. با این حال، تحقیقات در زمینه پایداری کسب و کار عمدتاً بر شرکت های بزرگ تاکید دارد، در حالی که نقش شرکت های کوچک و متوسط (SME ها) کم رنگ شده است. در نتیجه، کمبود ابزارهای مفهومی برای توضیح چگونگی ساخت و پیشبرد اهداف پایداری جمعی SME ها وجود دارد. هدف این مقاله شناسایی چگونگی مشارکت SME ها در سیاست های پایداری شهری است. برای انجام این کار، ما داده های تجربی جمع آوری شده

از طریق مصاحبه با ۷۶ کسب و کار فعال در تورنتو، ونکوور و لندن را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. نتایج ما نشان می‌دهد که SME ها پویایی پایداری را با مشارکت در فرآیندهای سیاسی رسمی و جنبش‌های اجتماعی، و با ساخت و رقابت گفتمان‌ها شکل می‌دهند. برخلاف تحقیقات گذشته، مطالعه ما، توانایی این شرکت‌ها برای هدایت فرایندهای تصمیم‌گیری شهری و هم‌سو سازی عملیات کسب و کار با باورها و هویت‌های سیاسی را برجسته می‌کند. با توجه به این یافته‌ها، ما به نیاز به شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط به عنوان بازیگرانی با آژانس سیاسی اشاره می‌کنیم.

وان تاتنهو (2003) به بحث در مورد رابطه بین محیط و مشارکت در زمینه مراحل مختلف مدرنسازی سیاسی پرداخت. این مقاله بر پویایی سیاست‌های زیست‌محیطی، و به ویژه بر رابطه بین سبک غالب حکومت و سیاست‌گذاری از یک سو و سازماندهی مشارکت سیاسی از سوی دیگر تمرکز کرده‌است. نتایج نشان داد محیط و مشارکت که ارتباط نزدیکی با هم دارند، رابطه آن‌ها اساساً در مراحل مختلف نهادینه‌سازی سیاست‌های زیست‌محیطی متفاوت است. در سال‌های شکل‌گیری سیاست‌های زیست‌محیطی، شیوه‌های مشارکت به وضوح منعکس‌کننده نوسازی اولیه بودند: سیاست‌های زیست‌محیطی، البته تا حد محدودی، هدف روش‌های قانونی و کلاسیک بودند که شهروندان می‌توانستند نظرات خود را در مورد برنامه‌های کاربردی برای معجزه‌ها و سایر مسائل خاص بیان کنند. از آنجا که ثابت شد این روش‌ها تاثیر کافی ندارند، جنبش نوظهور زیست‌محیطی به شدت آن‌ها را به عنوان بخشی از اعتراض ضد مدرنیستی خود مورد انتقاد قرار داد. این امر منجر به تکمیل این امکانات قانونی با یک سری اقدامات برای افزایش آزادی سیاسی شد.

آبودگی آلوکو (2012) به بررسی تاثیر پولشویی بر ثبات اقتصادی و مالی و توسعه سیاسی کشورهای در حال توسعه پرداخت. پولشویی در واقع یک پدیده جهانی است که ثبات اقتصادی و سیاسی کشورها را تضعیف می‌کند. تاثیر مخرب و تاثیر این پدیده نگرانی‌های ملی و بین‌المللی را افزایش داده‌است. در پاسخ به این نگرانی‌ها، همراه با تهدیدهای درک شده برای اقتصاد ملی و بین‌المللی و فرآیند سیاسی، ابتکارات و اقدامات مختلف بین‌المللی

و ملی برای مبارزه با تهدید این پدیده وجود داشته است. به همان اندازه که پول شویی یک پدیده جهانی است، در طول دهه گذشته، مشخص شده است که کشورهای در حال توسعه بیشتر در معرض اکسپلویت های خود قرار گرفته و آسیب پذیر شده اند. در این رابطه، با شواهد استدلال می شود که پولشویی، همراه با دیگر مجرمان اقتصادی و مالی، بیشتر کشورهای در حال توسعه را به دلیل مقررات سهل گیرانه و مکانیزم های اجرایی، به عنوان پناه گاه فعالیت های مجرمانه خود یافته اند. به این ترتیب با نفوذ فزاینده پول شویی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه، این کار تلاش خواهد کرد تا تاثیر دقیق پول شویی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه را بررسی کند. همچنین باید اقدامات قانونی که در مبارزه با تهدید پولشویی و اثربخشی این اقدامات در حال انجام است را مورد بررسی قرار دهد.

2.2.2. مطالعات داخلی

شریف آزاده و حسین زاده (1382) در مقالهای تحت عنوان "تأثیرپذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران از شاخصهای امنیت اقتصادی" به بررسی رابطه سرمایه گذاری خصوصی با متغیرهای نهادی و ریسک سیاسی طی سال های 1358_1379 پرداخته اند. متغیر وابسته نسبت سرمایه گذاری خصوصی به تولید ناخالص داخلی و متغیر مستقل مدل، نرخ ارز بازار آزاد، لگاریتم سرمایه گذاری دولتی، سرمایه گذاری هستند که ICRG مستقیم خارجی، نرخ تورم و 10 عامل از عوامل تشکیل دهنده شاخص ریسک سیاسی این عوامل ابتدا به صورت جداگانه و حاصل جمع آنها به عنوان متغیر امنیت اقتصادی وارد مدل شده اند. نتیجه حاکی از تأثیر مثبت و معنادار شاخص ترکیبی میباشد و 5 عامل دیگر ارتباط معناداری با نسبت سرمایه گذاری بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی نشان نمیدهند.

رهبر و دیگران (1386) در مقاله ای تحت عنوان "موانع سرمایه گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران" با وارد نمودن متغیر امنیت سرمایه گذاری، نیروی کار و موجودی سرمایه در مدل رشد برای سالهای 1363_1384 به روش OLS تأثیر مثبت شاخصی از

امنیت سرمایه گذاری را بر رشد اقتصادی ایران نشان داده اند. بدین منظور 10 عامل از مجموعه 12 عامل تشکیل دهنده شاخص ریسک سیاسی ICRG با استفاده از نظرات نخبگان اقتصادی و صاحبان صنایع ایران وزندهی و تجمیع شده؛ بهنظر میرسد وزندهی عوامل با استفاده از نظرات کارشناسان داخلی تلاشی در جهت تطبیق شاخص مورد استفاده در مطالعه با شرایط خاص کشور بوده است. ضریب همبستگی شاخص امنیت سرمایه گذاری در این مطالعه 98.5 درصد می باشد که نشان می دهد وزن دهی بر اساس نظرات کارشناسان داخلی تفاوت چشمگیری در روند تع=غییرات شاخص ایجاد نمیکند. کشش شاخص امنیت سرمایه گذاری (که در مقیاس صفر تا 10 اندازه گیری شده) 0.14 برآورد شده است.

ابوذر سالاری (1390) در مقاله ای تحت عنوان " بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسبوکار " به معرفی و بررسی شاخص های کسب و کار، شاخص های رقابت پذیری اقتصاد و مقایسه ایران در این شاخص ها با کشورهای برتر جهان و کشورهای منطقه و به طور مشخص به بررسی شاخص های مربوط به مالیات و اثر آن بر فضای کسب و کار کشور پرداخته و آثار این شاخص بر عملکرد اقتصادی را بررسی نموده و ضمن ترسیم فضای روشن از وضعیت ارتباط نظام مالیاتی کشور با فضای کسبوکار طی سالهای (2005_2011) پیشنهاداتی جهت بهبود وضعیت نظام مالیاتی و بالطبع بهبود فضای کسبوکار ارائه نموده است.

جعفری صمیمی و همکاران به بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و کارآیی دولت با رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره 2006-1996 پرداخته اند. نتایج این مطالعه بیان میدارد رابطه مثبت و معنی داری بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا وجود دارد. همچنین بین کارآیی دولت و رشد اقتصادی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

نادری و شربتاوغلی به بررسی نظری و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب جهان طی دوره 2004-1999 پرداخته و بیان می دارند کشورهایی

که شرایط رقابت پذیری اقتصادی برای آنها مناسبتر بوده است، به طور معناداری رشد اقتصادی بالاتری را تجربه کرده اند

شهنازی (1384) به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر کیفیت نهادی سرانه و اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی طی سالهای 1980-2003 در 87 کشور با استفاده از ادبیات اقتصاد نئو کلاسیک پرداخته است. نتیجه بیانگر اثر مثبت آزادی اقتصادی بر سطح درآمد سرانه کل نمونه و به تفکیک کشورهای کم درآمد، درآمد متوسط و پردرآمد است.

جعفری صمیمی و آذرمنند به بررسی ارتباط نهادهای اقتصادی، سیاسی و حقوقی تعیین کننده انگیزه ها و محدودیتهای فعالیتهای اقتصادی در 8 کشور مختلف جهان طی دوره زمانی 1980-2001 پرداخته و بر اساس نتایج بیان میدارند آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

میدری به بررسی تأثیر بی ثباتی سیاسی - اجتماعی بر رشد اقتصادی 60 کشور طی دوره 1948-1982 پرداخته و بر اساس نتایج مطالعه بیان میدارد بی ثباتی سیاسی - اجتماعی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه دارد.

3. الگوی پژوهش

مطالعات تجربی در ارتباط با سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه با ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت با کشورهای توسعه یافته و وجود مشکلات ساختاری مانند بی ثباتی و نا اطمینانی سیاسی و اقتصادی، نقش و دخالت زیاد دولت در اقتصاد، عدم وجود بازارهای مالی با کارکرد مناسب و سایر کاستی های بازار در بسیاری موارد بر مبنای نظریه شتاب انعطاف پذیر انجام میشود (عرب مازار و همکاران، 1389).

نقطه آغازین این پژوهش نیز با اتکا بر نظریه شتاب انعطاف پذیر است. در مدل (نظریه شتاب انعطاف پذیر) سطح مطلوب موجودی سرمایه واقعی K^* ، متناسب است با تولید ناخالص داخلی واقعی $GDP(y)$:

$$K^* = \alpha y$$

با دیفرانسیل گیری از طرفین نسبت به زمان و تقسیم هر دو طرف بر y ، رابطه (1) را می توان بدین صورت تفسیر نمود: نسبت سرمایه گذاری مطلوب به تولید $(inv/y)^*$.

$$(Inv/y)^* = (INV/Y)^* = \alpha G$$

که در آن INV و Inv به ترتیب دلالت دارند بر سرمایه گذاری ناخالص داخلی واقعی و اسمی، y دلالت دارد بر GDP اسمی و G عبارت است از میزان رشد واقعی GDP . این نظریه مبتنی بر مکانیزم تعدیل جزئی انباشت سرمایه است که وجود وقفه یا تاخیر در تعدیل موجودی سرمایه به سمت موجودی مطلوب را لحاظ میکند.

$$\Delta [INV/(Y)]_t = \lambda [(INV/Y)^* - (INV/Y)_{t-1}] \quad \text{یا} \quad [1 - \lambda] (INV/Y)_t = \lambda$$

$$[(INV/Y)^* - (INV/Y)_{t-1}] + (INV/Y)_{t-1}$$

که در آن λ عبارت است از ضریب تعدیل. مدل شتاب انعطاف پذیر این اجازه را به شرایط اقتصادی میدهد تا بر ضریب تعدیل اثرگذار باشد (فرای، 1998). به ویژه فرض میشود که:

$$\lambda = \beta_0 + (\beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + \beta_3 X_3 + \dots) / [INV/Y - (INV/Y)_{t-1}]$$

و که در آن X_i ها متغیرهایی هستند که ضریب تعدیل (λ) را تحت تاثیر قرار می دهند و β_i ضرایب مربوطه می باشند. وقفه در تعدیل موجودی سرمایه می تواند بر مبنای دیدگاه اقتصاد نهادگرای جدید ناشی از محیط نهادی فعالیت های اقتصادی کشور باشد که به صورت شاخص فضای کسبوکار در مدل ما لحاظ میشود (متوسلی، 1384).

بدین ترتیب براساس مدل معرفی شده توسط فرای و همکارانش مدل این مطالعه بدین صورت معرفی میگردد:

$$IBEt = F(IGt, Pt, TRt, OPENt, ERFt)$$

در این مطالعه از مدل زیر برای برآورد تابع فضای کسب و کار و عوامل موثر بر آن استفاده میشود، همچنین لازم به ذکر است که دوره زمانی این پژوهش (1350_1398) میباشد.

$$LIBE = \alpha_0 + \alpha_1 LP + \alpha_2 LTax + \alpha_3 ERO + \alpha_4 LIg + \alpha_5 Openness$$

که در آن:

$LIBE$ = لگاریتم فضای کسب و کار.

LP = لگاریتم تورم تورم.

$LTax$ = لگاریتم سهم درآمد های مالیاتی از تولید ناخالص داخلی .

ERO = نرخ رسمی ارز.

LIg = لگاریتم سرمایه گذاری های دولتی.

$Openness$ = درجه باز بودن اقتصاد.

4. یافته های پژوهش

از لحاظ تئوریک انتظار بر این است که سرمایه گذاری های دولتی و درجه باز بودن اقتصاد رابطه مثبت با فضای کسب و کار و تورم و نظام مالیاتی حاکم بر کشور و نوسانات نرخ ارز رابطه منفی با فضای کسب و کار داشته باشند. در این تحقیق نیز با توجه به مدل تخمین زده شده، رابطه فضای کسب و کار و سرمایه گذاری های دولتی و درجه باز بودن اقتصاد مثبت حاصل گردید. در حقیقت انتظار بر این است که وقتی سهم صادرات و واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی که معرف درجه باز بودن اقتصاد است؛ افزایش پیدا میکند تقاضا برای ایجاد کسب و کار نیز افزایش یابد. افزایش سرمایه گذاری های دولتی نیز از عوامل مهم و تأثیرگذار بر فضای کسبوکار بوده و ضریب مثبت و معنادار این متغیر حاکی از آن است که این متغیر از جمله متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار بوده زیرا با افزایش سرمایه گذاری های دولتی و بهبود کیفیت زیرساخت ها، کیفیت فضای سرمایه گذاری برای

کسب و کار نیز افزایش خواهد یافت.

نوسانات نرخ ارز عواقب خاص خود را بر اقتصاد خواهد داشت. در حقیقت، بی ثباتی در نرخ ارز موجب بی ثباتی در تولید و تجارت خواهد شد. اگر نرخ ارز نوسانات شدیدی داشته باشد، با توجه به اینکه صادرکنندگان و واردکنندگان به هنگام عقد قرارداد چشم انداز مشخصی از درآمدها و هزینه های خود به پول ملی ندارند علیرغم مشخص بودن ارزش ارزی کالاهای مزبور در زمان انعقاد قرارداد به دلیل وجود فاصله زمانی تا هنگام دریافت درآمدهای صادراتی و یا فروش کالاهای صادراتی این نوسانات میتواند ارزش کالاهای مزبور را (به پول ملی) به شدت متأثر کرده؛ موجب ضرر و یا سودهای کلان شود (هلاینر، 1985).

دیگر عامل مؤثر بر فضای کسبوکار نظام مالیاتی حاکم بر کشور است. از یک سو درآمدزایی دولت از محل اخذ مالیات بیشتر منجر به توسعه همه جانبه اقتصادی همچون رشد فضای کسب و کار، افزایش سطح تولید کیفی و اشتغال میگردد، اما از سوی دیگر نباید از نظر دور داشت که نرخ های مالیاتی بالا سبب انتقال بنگاه ها به اقتصاد غیررسمی میشود و در نتیجه پایه مالیاتی کوچکتر شده و درآمد کمتری نیز جمع آوری میشود. علاوه بر این از لحاظ تئوریک انتظار بر این است که تورم تأثیر منفی بر فضای کسبوکار داشته باشد، اما طبق داده های استفاده شده در این تحقیق و همچنین نتایج به دست آمده رابطه تورم و فضای کسب و کار مثبت برآورد شده است. دلیل این عامل را میتوان در تحولات عمیق اقتصادی-اجتماعی طی دوره (1350_1398) جستجو کرد. طی سالهای (1350_1356) که لقب سالهای پس از شوک نفتی اول را به خود گرفته اند. فضای کسب و کار از شرایط مطلوبی برخوردار بوده، زیرا در این دوران با افزایش درآمدهای نفتی مخارج دولت و سرمایه گذاری های دولتی نسبت به مقیاس اقتصاد افزایش داشته است. در نتیجه تزریق بی رویه درآمدهای نفتی، تقاضای کل افزایش یافته و در نهایت منجر به افزایش تورم شده است. پس در این دوره علیرغم افزایش نرخ تورم، به دلیل بالا بودن درآمدهای نفتی فضای کسب و کار از شرایط مطلوبی برخوردار می باشد. طی سالهای پس از انقلاب و

آغاز جنگ تحمیلی (1367_1357) فضای کسب و کار با نوسانات متعددی روبرو شده است. طی این دوران حجم دولت گسترش یافته و بحران نااطمینانی موجب کاهش فعالیتهای اقتصادی شده است. به دلیل بسته بودن اقتصاد که ناشی از فضای جنگی حاکم بر ایران بوده سهم واردات واسطه ای و سرمایه ای و اعتبارات تولیدی کاهش یافته که همین امر منجر به کاهش تولید شده است. نرخ تورم طی این سالها نسبتاً پایین می باشد، پس میتوان چنین برداشت نمود که نوسانات فضای کسب و کار در این دوران بیشتر متأثر از شرایط جنگی حاکم بر کشور بوده است تا تأثیر تورم و به دلیل نسبتاً پایین بودن نرخ تورم، این عامل نمیتوانسته تأثیر منفی بر فضای کسب و کار داشته باشد.

در سالهای متناظر با برنامه اول توسعه (1373_1368) که همزمان با انجام بازسازیهای پس از اتمام جنگ و همچنین اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی می باشد، شرایط کسب و کار از بهبود نسبی برخوردار بوده است. در این دوره ما با سیاست کاهش اندازه و دخالت دولت در شاخص های مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، سرمایه گذاری دولتی به تولید ناخالص داخلی و شاخص های

مالیاتی مواجه بودهایم. همچنین، طی این دوره سیاست آزادسازی تجاری و کاهش نرخهای تعرفه موجب افزایش واردات گردیده است. در آغاز این دوره نرخ تورم پایین و نرخ رشد تولید بالا بوده که خود این عامل تأثیر مثبتی بر بهبود فضای کسب و کار داشته است. در سالهای متناظر با برنامه دوم توسعه (1378_1374) کشورمان شاهد شرایط نامطلوبی در حوزه کسبوکار بوده است. به دلیل اجرای سیاست های انبساطی شدید در دوره قبل، نرخ تورم و همچنین نوسانات نرخ ارز دچار افزایش قابل ملاحظه های گردیده که نتیجه آن ایجاد فضای نااطمینانی در سطح اقتصاد کلان بوده است. طی سالهای متناظر با برنامه سوم توسعه (1383_1379)

ما شاهد بهبود محیط کسب و کار نسبت به دوره پیش میباشیم. در این دوره بر مبنای سیاستهای تعدیل، که این بار با مطالعه بیشتر و تجربه سیاستهای تعدیل در گذشته صورت گرفته آزادسازی تدریجی تجارت خارجی در شاخص های تعرفه و درجه باز بودن قابل مشاهده است. در این دوره کشور علاوه بر افزایش واردات شاهد افزایش سهم درآمدهای

نفتی نیز بوده است. همچنین، به دلیل اجرای سیاست تعدیل، نرخ تورم و نوسانات آن نیز در این دوره پایین بوده که خود این عامل منجر به بهبود در فضای کسب و کار شده است. در سالهای متناظر با برنامه چهارم توسعه (1384_1386) درآمدهای ارزی نفت افزایش شدیدی را تجربه کرده‌اند. با این حال در این دوره روند فزاینده بهبود شرایط کسب و کار ادامه نیافته و به دلیل افزایش مالیات‌ها و نرخ تورم با کاهش روبرو بوده است. در نهایت میتوان چنین جمع‌بندی نمود که بجز سال‌های متناظر با برنامه دوم و چهارم توسعه نرخ تورم نسبتاً پایین بوده و همین روند توانسته تأثیر مثبتی بر فضای کسب و کار داشته باشد.

5. پیشنهاد و نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی تئوریک و تجربی این مطالعه میتوان به این نتیجه رسید که افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی به ویژه در بخش اصلاح زیرساخت‌ها، اصلاح و بازنگری قوانین مربوط به ایجاد کسب و کار، ثبات دولت، قوانین و مقررات و حاکمیت نظم و قانون، کاهش فساد (رشوه، پارتی‌بازی، واگذاری مشاغل به آشنایان و...) و در نهایت اصلاح و بازنگری در عملکرد سیاسی و اقتصادی دولت که میتواند منجر به اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران در حوزه کسب و کار گردد، از جمله راهکارها برای بهبود فضای کسب و کار و کاهش فقر و بیکاری می‌باشند. همچنین، شایان ذکر است با توجه به رتبه کشور ایران در شاخص‌های جهانی کسب و کار، به دلیل داشتن رتبه بالا در اکثر شاخص‌ها، می‌بایست تمهیداتی صورت گیرد تا جایگاه ایران بهبود یافته و به سطح مطلوب دست یابد. در گزارشی که توسط بانک جهانی منتشر شده است، رتبه ایران در فضای کسبوکار در سال 2020 در مقایسه با 2019 با 2 پله صعود از 131 به 129 ارتقاء یافته است. در این میان، شاخص‌هایی که تأثیر مثبت داشته‌اند عبارتند از شروع کسب و کار، اخذ اعتبار، اخذ مجوزهای ساختمانی، تجارت برون مرزی، اجرا و الزام آور بودن قراردادها. در بین آن‌ها بیشترین تأثیر مربوط به شاخص اخذ اعتبار بوده که 20 پله ارتقاء داشته است. سایر شاخص‌ها به استثنای شاخص پرداخت مالیات، تأثیر منفی داشته‌اند و به عبارت دیگر،

وضعیت آن‌ها بدتر شده است. بنابراین، شاید بتوان نتیجه گرفت که سیاست کلی و واحدی برای بهبود فضای کسب و کار در ایران به اجرا در نیامده است یا هماهنگی‌های لازم میان سازمانها و نهادهای درگیر وجود ندارد.

به عنوان یک راهکار میتوان به کوتاه تر شدن زمان اخذ مجوزهای لازم برای شروع یک کسب و کار و بسترسازی مناسب برای افزایش تعداد بنگاه‌های رسمی اقتصادی از طریق تسریع ثبت، کنترل و بازیابی اطلاعات و روند اداری ثبت شرکت‌ها با استفاده از اطلاعات و ارتباطات، افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی به ویژه در بهبود و اصلاح زیرساخت‌ها اشاره نمود. لازم به ذکر است که احداث شهرک‌های صنعتی و توجه به خوشه‌های صنعتی در این شهرک‌ها میتواند در کوتاه تر نمودن آغاز یک کسب و کار نقش بسزایی ایفا نماید و دولت باید در این زمینه سرمایه‌گذاری‌های لازم را انجام دهد. همچنین نظام مالیاتی کارآمد نیز مشوقی

برای بهبود فضای کسب و کار است و بنابراین با معافیت‌های مناسب مالیاتی میتوان به این مهم دست یافت. در نهایت میتوان درخصوص تسهیل در امور مربوط به صادرات و واردات از طریق استفاده هرچه بیشتر از خدمات الکترونیکی از ابتدا تا انتهای پروسه صادرات یا واردات کالا یا خدمات فنی مهندسی اشاره نمود.

منابع

1. ارشدی، علی (1385)، آزادسازی حساب سرمایه و اثر آن بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی.
2. تشکینی، احمد (1384)، اقتصاد سنجی کاربردی به کمک مایکروفیت، مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران، چاپ اول.
3. حسینزاده بحرینی، محمدحسین و سعید ملک‌السا داتی (1389)، "موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره 15.
4. دوسوتو، هرماندو (1385)، راز سرمایه، ترجمه فریدون تفضلی.

5. رهبر، فرهاد، مظفری خامنه، فرشید و شاپور محمدی (1386)، "موانع سرمایه گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 81.
6. سالاری، ابوذر (1386) "بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسبوکار"، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره ی 9 و 10.
7. شریف آزاده، محمدرضا و محمدحسین حسینزاده بحرینی (1382)، "تأثیرپذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران از شاخص های امنیت اقتصادی"، فصلنامه مفید، شماره 38.
8. عرب مازار، عباس و مریم احمدیان (1389)، "شاخص فضای کسبوکار و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران"، فصلنامه اقتصاد
9. متوسلی، محمود (1384)، توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهاد گرایی و روش شناسی، دانشگاه تهران.
10. میدری، قودچانی (1387)، سنجش و بهبود محیط کسب و کار، انجمن مدیران صنایع.

11. Banerjee, A., Dolado, J.J. & R. Mester (1992), "On Some Simple Tests for Co-Integration: The Cost of Simplicity", Bank of Spain Working Paper, No. 9302.
12. Banerjee, A., Dolado, J.J., Galbraith, J.W. & D.F. Hendry (1993), "Co-Integration, Error-Correction and the Econometric Analysis of Non-Stationary Data, Advanced Texts in Econometrics", Oxford University Press.
13. Dardia, Michel & Sherman Luck (1999), "Rethinking the California Business Climate", Public Institute of California.
14. Dickey, D.A. & W.A. Fuller (1979), "Distribution of the Estimators for Autoregressive Time Series with a Unit root", Journal of the American statistical Association, Vol. 74, PP. 427-31.

15. Dickey, D.A. & W.A. Fuller (1981), "Likelihood Ratio Statistics for Autoregressive Time Series with a Unit root", *Econometrica*, Vol. 49, PP. 1057-72.
16. Dollar, David, Mary Hallward-Driemeier & Taye Manistee (2003), "Investment Climate & Firm Performance in Development Economies WorldBank", Development Research Group.
17. Fry, M.J. (1998), "Saving, Investment, Growth and Financial Distortions in Pacific Asia and Other Developing Areas", *International Economic Journal*, Vol. 12, No. 1, PP. 1-24.
18. Hellinier, C.K. (1985), The Impact of the Exchange Rate System on the Developing Countries, *The International Monetary System and Its Reform (Part II)*, PP. 408-491.
19. Knack, S. & P. Keefer (1995), "Institution and Economic Performance, Cross Country Test Using Alternative Measures", *Economic and Politics*, Vol. 7, Issue. 3.
20. Larossi, Giuseppe (2009), "the Investment Climate in 16 Indian States", Policy Research Working Paper 4817, PP. 153-191.
21. Tobin,
22. Jennifer & Susan Rose-Ackerman (2003), *Foreign Direct Investment and the Business Environment in Developing Countries: the Impact of Bilateral Investment Treaties*, Department of Political Science.
23. www.Cbi.ir.
24. www.Wdi.com